

ویژگی رهبران دینی

این خطبه سه بخش داشت که بخش نخست را بحث کردیم. در بخش دوم، به اختصار اموری را که از این خطبه شریفه برداشت می‌شد، بیان کردیم و هر دو بخش پاسخگوی یک سنخ مسائلی بود که بنی‌امیه در آن هنگام با بدعت گذاشتن و نقل‌های دروغین از پیغمبر در اجتماع مسلمین ایجاد کرده بودند.



آیت الله مجتبی تهرانی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم؛ بسم اله الرحمن الرحیم؛ الحمد لله ربّ العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهیرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین.

&171#؛الاسلام بدوّه محمدیّ و بقاؤه حسینیّ»

بحث درباره خطبه شریفه‌ای بود که امام حسین - علیه‌السلام - در سال پنجاه و هشت هجری، یعنی دو سال پیش از واقعه عاشورا در منا ایراد فرمودند.

این خطبه سه بخش داشت که بخش نخست را بحث کردیم. در بخش دوم، به اختصار اموری را که از این خطبه شریفه برداشت می‌شد، بیان کردیم و هر دو بخش پاسخگوی یک سنخ مسائلی بود که بنی‌امیه در آن هنگام با بدعت گذاشتن و نقل‌های دروغین از پیغمبر در اجتماع مسلمین ایجاد کرده بودند. بالأخره از این مجموعه ترسیمی نسبت به کسانی که از نظر الهی برای گرفتن زمام امور جامعه مسلمین و هدایت جامعه مسلمین منصوب هستند، به دست می‌آمد و به تعبیری، امام حسین - علیه‌السلام - امام را از زبان امام تعریف کرد که زبان امام همان زبان الهی بود.

در جلسه گذشته وارد بخش سوم این خطبه شدیم. بخش دوم خطاب به همه مردم بود که مردم نباید بنشینند و بیننده باشند که حکام اسلام در قلمرو اسلام هر کار خلاف شرعی بکنند و این‌ها سکوت کنند، باید تذکر بدهند که حتی خود امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - راجع به خودش می‌فرماید: من را هم نصیحت کنید که جلسه گذشته به آنها اشاره کردم.

بخش سوم و خطاب به رهبران دینی

بخش سوم؛ در این بخش امام حسین به سراغ افرادی که در جلسه حاضر بودند، می‌رود. اما اکنون می‌گوییم که چگونه آنها را مخاطب قرار می‌دهد. ما گفتیم که در تاریخ آمده است که زیر خیمه امام حسین - علیه‌السلام - در منا بیش از هزار نفر جمعیت بودند؛ دویست نفر از اصحاب پیغمبر و بیش از هشتصد نفر از تابعین حاضر بودند.

حضرت در اینجا &171#؛این افراد» را مخاطب قرار می‌دهد و صحبت از &171#؛ایها الناس» هم نیست. می‌فرماید: &171#؛تَمَّ أَنْتُمْ أَهْلُهَا الْعَصَابَةُ»؛ با &171#؛تَم» این جملات را از نظر ادبی از جملات قبل جداسازی می‌کنند؛ یعنی این دیگر ربطی به عموم مردم ندارد. شما، ای گروه حاضر گوش کنید! بعد شروع می‌کند می‌فرماید: &171#؛عَصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ» اول اینها را از نظر چهره‌هاشان در اجتماع، به حق یا به ناحق، اشاره می‌کند. &171#؛وَ بِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَ بِالتَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَ بِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ»

خطاب حضرت به شخصیت حاضران، نه شخص آن‌ها

من در اینجا نکته‌ای را عرض کنم، چون می‌خواهم بهره‌برداری کنم که این صحبت‌ها مقطعی نبوده است. این تعبیری که امام حسین می‌کند &171#؛أَيُّهَا الْعَصَابَةُ»، در اینجا مخاطبش اشخاص نیستند، شخص موضوعیت ندارد، اینها کسانی بودند که مَعْنُون به این عناوین بودند و امام حسین می‌خواهد بگوید، این سخنان را به هر کسی که معنون به این عناوین است می‌گوییم؛ حالا می‌خواهد زمان ما باشد یا آن موقع بوده باشد.

من قبلاً اینها را بحث نکرده بودم. درست است که حضرت می‌گوید: &171#؛أَيُّهَا الْعَصَابَةُ»، اما شخص موضوعیت ندارد. جملات بعدی حضرت، گویای این است که بحث، بحث اشخاص نیست، چون اینها معنون به عناوینی هستند و مخاطبش آن عنوان‌هاست. به هر کسی که دارای چنین عنوانی در جامعه است، می‌گوید حالا می‌خواهد آن موقع آنجا باشد، یا هزار سال دیگر در جامعه اسلامی پیدا شود. آن عنوان‌ها را یکی یکی می‌شمارد.

&171#؛ تَمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ عَصَابَةُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ، حضرت می‌فرماید: نخستین عنوان این است که شما در بین مردم به عنوان افراد آگاه و دانشمند مطرح هستید، &171#؛ عَصَابَةُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ اینجا مراد حضرت از علم، مطلق نیست، بلکه مراد از علم، اطلاعات نسبت به معارف دینی است. یعنی شما به عنوان علمای مذهبی در بین مردم مطرح هستید.

در اواخر همین خطبه شاهی وجود دارد که منظور، عالمان دینی است. آنجا دارد: &171#؛ بِأَنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْتَاءِ عَلَى حَتَالِهِ وَحَرَامِهِ این جملات، روشنگر این است که &171#؛ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ این نیست که شما مثلاً فیزیکدان خیلی خوبی هستید یا در علوم غیر دینی مشهور شده‌اید؛ حضرت به اینها کاری ندارد، منظور این است که در میان مردم، مشهور است که شما از علمای دینی هستید و مردم شما را به عنوان علمای دین می‌شناسند.

دوم؛ &171#؛ وَ بِالْخَيْرِ مَذْكَورَةٌ؛ یعنی از شما به نیکی یاد می‌کنند، و اگر بخواهند از آدم‌های خوب یاد کنند، انگشتشان را به سمت شما می‌گذارند، &171#؛ وَ بِالْخَيْرِ مَذْكَورَةٌ وقتی بخواهند از شما یاد کنند، به نیکی یاد می‌کنند. اگر از آنها بپرسند آدم‌های خوب در جامعه چه کسانی هستند؟ اول نشانی شما را می‌دهند.

سوم؛ &171#؛ وَ بِالتَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ در میان مردم معروف است که شما در جامعه پنددهنده و راهنما هستید و مردم را به سعادت و خیر دعوت می‌کنید و آنها را از شقاوت باز می‌دارید.

&171#؛ وَ بِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ؛ حرف باء در &171#؛ وَ بِاللَّهِ سببی است؛ یعنی شما به خاطر خدا جلال، شکوه و مهابتی در دل مردم پیدا کردید و مردم برای شما حریمی قابل هستند.

&171#؛ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ به گونه‌ای که افراد شریف جامعه، یعنی به تعبیر ساده خودمان دانه درشت‌های جامعه، از شما حساب می‌برند.

&171#؛ وَ يُكْرَمُكُمُ الضَّعِيفُ افراد ضعیف هم به تکریم شما برمی‌خیزند و به شما احترام می‌گذارند. آن کسی که قدرتمند است، از شما می‌ترسد و آن کسی که قدرتی ندارد، به شما احترام می‌گذارد.

&171#؛ وَ يُؤَيِّرُكُمْ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ آن کسی که شما هیچ برتری بر او ندارید و قدرتی هم بر او ندارید، شما را بر خودش برتری می‌دهد. اگر کسی بر شما قدرت و برتری داشته است نیز شما را بر خودش مقدم می‌دارد.

&171#؛ تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طُلَابِهَا هر گاه کسانی که گره و مشکلی به کارشان افتاده و نیازمند شده‌اند، برای این که کارشان راه بیفتد، شما را شفیع قرار می‌دهند. یعنی موقعی که حق افراد متوسط در جامعه ضایع می‌شود و آنها می‌خواهند حقشان را بگیرند، سراغ شما می‌آیند که حقشان را بگیرید.

&171#؛ وَ تَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بَهِيَّةَ الْمُلُوكِ وَ كَرَامَةَ الْأَكَابِرِ؛ اینجا هم اشاره به این است که مثل بزرگان جامعه از نظر دنیایی با شما برخورد می‌شود. &171#؛ بَهِيَّةَ الْمُلُوكِ وَ كَرَامَةَ الْأَكَابِرِ یعنی به هیبت و شکوه پادشاهان در اجتماع درمی‌آیید و ظاهر می‌شوید و این طور از شما تجلیل می‌کنند. مراد حضرت که خصوصیات اینها را می‌گوید، اشخاص نیستند، هر کسی که در جامعه اسلامی دارای یک چنین خصوصیتی باشد، مخاطب حضرت است.

علت احترام مردم به عالمان دینی

پس از ذکر خصوصیات، امام حسین اولاً از آنها یک سوال می‌کند؛ بگویند ببینم شما این وجاهت، شخصیت و موقعیت را از کجا آوردید؛ از خانه پدر و مادران؛ از کجا آوردید؟ اینکه &171#؛ تافتة جدا بافتةای در اجتماع شدید» را از کجا آوردید؟

&171#؛ أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِمَّا نَلْتَمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ آیا همه این احترام‌هایی که مردم به شما می‌کنند، به این جهت نیست که مردم به شما امید دارند که قانون الهی را اجرا کنید و کمر به اجرای قوانین اسلام ببندید؟ مردم چرا این قدر به شما کرنش می‌کنند؟ این به خاطر جنبه‌های الهی است، امید دارند که شما قوانین الهی را در جامعه پیاده کنید. &171#؛ أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِمَّا نَلْتَمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ شما هستید که می‌توانید احکام اسلامی را در جامعه پیاده کنید.

«#وَاِنْ كُنْتُمْ عَنْ اَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصُرُونَ» ولي متأسفانه در بیشتر قوانین الهی کوتاه آمده‌اید. اینکه مردم پیش شما خم و راست می‌شوند، برای این است که شما قوانین الهی را در جامعه پیاده کنید، ولی شما برعکس رفتار کردید. سرچشمه آن کرنش‌ها و احترام‌ها به خودتان را ضایع کردید. «#فَاسْتَحَقَّقْتُمْ بِحَقِّ الْاِثْمَةِ»، شما حق را که مربوط به ائمه، یعنی منصوبین از ناحیه خدا به رهبری در جامعه بود، ضایع کردید. «#فَاسْتَخَفَفْتُمْ» یعنی خفیف شمردید. منظور از ائمه هم که خیلی روشن است. وقتی امام حسین - علیه‌السلام - می‌گوید: ائمه، یعنی امام علی و امام حسن - علیه‌السلام - و خودش. اگر امت هم باشد مشکلی نداریم، شما حق امت را در مورد رهبری‌شان ضایع کردید.

«#فَاَمَّا حَقَّ الضَّعْفَاءِ فَضَيَعْتُمْ» شما حق ضعفا را ضایع کردید. «#وَاَمَّا حَقَّكُمْ بِرْغَمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ» حقوق کسانی را که باید ادا می‌کردید، نکردید؛ چه حقوق کسانی که به رهبری جامعه منصوب بودند، چه حقوق آنهایی که از ضعفای جامعه بودند، شما همه این حقوق را ضایع کردید. ای کاش فقط همین باشد، تازه خودتان آمدید برای خودتان حقوقی جعل کردید، «#وَاَمَّا حَقَّكُمْ بِرْغَمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ» برای خودتان حق قابل شدید و از مردم طلبکار شدید، آدم‌های بدهکار طلبکار هم شدند.

وظایف رهبران دینی در قبال جایگاهشان

«#فَلَا مَالَ بَدَلْتُمْوَهُ وَ لَا تَقْسَا حَاطَرْتُمْ بِهَا لِذِي خَلَقَهَا وَ لَا عَشِيرَةً عَادِيْتُمْوَهَا فِي ذَاتِ اللّٰهِ» در اینجا امام حسین سه چیز را مطرح می‌کند. یک؛ چه کار کردید که طلبکار شدید؟ «#فَلَا مَالَ بَدَلْتُمْوَهُ» آیا در راه خدا و دین مالی از جیب‌تان مصرف کردید؟ دوم؛ «#وَلَا تَقْسَا حَاطَرْتُمْ بِهَا»، آیا جانی را که خدا آفریده است، در راه او به خطر انداخته‌اید؟ اینجا هم من یک حرفی دارم، شما نه پولی در راه خدا دادید، نه جانی در راه خدا دادید و نه مبارزه‌ای در راه خدا کردید، آیا طلبکار هم شدید؟!

1. دفاع از حق ضعیفان

من به اختصار برداشت‌های کوتاهی از این جملات امام حسین می‌کنم؛ یک، چون اینجا بحث شخصیت مطرح است، نه شخص. شخصیت‌هایی که وجاهت و آبروی آنها از انتساب به دین به دست آمده است، نخستین وظیفه‌شان این است که از منصوبین به امامت از جانب خدا و از حقوق مشروع ضعفا حمایت کنند و کوتاه نیایند که حقشان ضایع نشود. به تعبیری آنها باید در جامعه حامی ضعفا باشند و از حق آنها دفاع کنند.

2. پرهیز از ویژه‌خواری

مطلب دیگر آن که این شخصیت‌ها نباید به خاطر آبرویی که در انتساب به خداوند به ایشان عنایت شده است، برای خودشان حقی قابل شوند، به گونه‌ای که بخواهند از افراد جامعه مطالبه حق کنند. اینها ظاهراً چیزهای پیچیده‌ای نیست، چون جملات را خواندم، ترجمه هم کردم.

3. پیشگام شدن در میدان فداکاری

این افراد باید از مال و جان‌شان در راه دین خدا بگذرند، نه تنها طلبکار نباشند، بلکه باید از مال و جان‌شان بگذرند. آبروی الهی کالایی دنیایی نیست که بخواهی با آن مبادله کنی. آبرویی که خدا به تو داده است، الهی است، متاع مادی نیست که بخواهی روی آن معامله کنی. در ازای این متاع گرانب‌هایی که به دست تو آمده است، باید چیزی بپردازی نه این که مطالبه کنی. باید بها بدهی و بهای او مال و جان تو است که باید در راه خدا بدهی. اینها آیات قرآن است، من نمی‌خواهم وارد شوم. خدا به تو آبرو داده است، حالا تو پُر می‌دهی؟

4. درگیر شدن با گروه‌های منحرف

آخرین مطلبی که حضرت می‌فرماید: این است، عشیره را مطرح می‌کند. تو در قابل این آبرومندی الهی که در جامعه به تو داده شده است، یکی از این بهاهایی که باید بپردازی این است با گروه‌های منحرف در جامعه مبارزه کنی «#وَلَا عَشِيرَةً عَادِيْتُمْوَهَا فِي ذَاتِ اللّٰهِ». باید برای خدا با اینهایی که دارند به دین ضربه می‌زنند در بیفتی. ببینید امام حسین چگونه دارد وظیفه تعیین می‌کند.

شما صحابه پیغمبر و تابعین او هستید؛ شما منتسب به خدا هستید؛ حالا از مردم هم طلبکار هستید؟ نه، شما به خدا بدهکارید، چون خدا این آبرو را به شما داده است. باید بها بپردازید. امام حسین همان روز دارد می‌گوید: من مالم را می‌دهم و با منحرفان هم درمی‌افتم و تا آخرین نفس هم پایش می‌ایستم. این جملات دو سال پیش از عاشورا است. چه کسی می‌تواند ادعا کند که امام حسین را شناخته است؟! اصلاً نشناختیم که او چه کسی بوده است.

